

## نقبی به سوی دیرین ترین روزنامه فارسی

◆ ابوالفضل شکوری

سرزمین های قفقاز، آسیای میانه و عراق که در گذشته بین النهرین نامیده می شد، از جمله خاستگاه های جراید فارسی زبان در دوره های پیشا مشروطه و مشروطه به شمار می روند. اثرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برخی از جراید منتشر شده در این سرزمین ها مانند جریده فکاهی ملا نصرالدین هنوز هم در نسل کنونی مردم ایران هویدا و آشکار است و مثل های آن رایج می باشد. تاریخ این بخش از مطبوعات فارسی هنوز بطور شایسته مورد توجه قرار نگرفته و در روزنامه ها و مجلات آن تجزیه و تحلیل محتوایی و حتی معرفی صوری انجام نگرفته است.

این شماره فصلنامه یاد و شماره بعدی آن را به بررسی مطبوعات فارسی این قلمروها به اضافه جراید فارسی سرزمین افغانستان اختصاص داده ایم.

کوشش بر این بوده است که حتی الامکان شناسنامه مختصر جراید فارسی این اقمار را شناسایی نموده و به معرفی محتوایی و جریان شناسی شان پردازیم که طبعاً داوری خوانندگان راجع به چگونگی این کار بعد از ملاحظه و مطالعه شماره فعلی و بعدی یاد امکان پذیر خواهد بود.

در منطقه قفقاز بعد از آنکه این سرزمینها از ایران منفصل و به روسیه تزاری محلق گردیدند، روسها اجازه انتشار روزنامه به زبان های فارسی و ترکی را به مردم نمی دادند. اولین نشریه آن مناطق به زبان روسی به نام «تفلیسکی و دموسکی» در ۱۲۴۳ ه. ق (۱۸۰۸ م) بود که بعدها یک پیوست به زبان فارسی نیز به همراه آن منتشر گردید که در واقع قدیم ترین روزنامه فارسی محسوب می شود.

با این همه محدودیت برای مسلمانان آن مناطق جهت نشر روزنامه به زبان‌های ایرانی همچنان باقی بود تا اینکه بعد از انقلاب‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ م در روسیه مسلمانان قفقاز آزادی‌های لازم برای انتشار روزنامه به زبان‌های ترکی، فارسی و یا روسی و دو زبانه را پیدا کردند و چنان که گفته شده است در این فاصله بیش از ۱۶۰ عنوان نشریه ادواری در منطقه قفقاز توسط بومیان آن مناطق امکان انتشار پیدا کرد که بسیار مهم است.

ابتدا در قفقاز زبان فارسی در مقایسه با زبان‌های ترکی، ارمنی و روسی تفوق داشت ولی به مرور زمان جراید ترکی زبان اکثریت پیدا کردند. با این همه این میراث بزرگ و اثرات آن بر ایران و ایرانیان هنوز تحلیل نشده است. فقط این مقدار دانسته است که جراید فارسی و ترکی زبان قفقاز عامل انتقال اندیشه‌های سوسیالیستی و مارکسیستی به ایران زیر عنوان آرمان عدالت خواهی بودند. همچنین بحث تغییر خط و القبای فارسی و ستیزه‌گری با آن از این منطقه سر بر آورده و پیشنهاد شده است. چنان که احزاب چپ‌گرای ایرانی به لحاظ آرمانی ریشه در این منطقه داشته‌اند.

جراید فارسی در منطقه آسیای میانه البته کمتر از قفقاز بوده ولی کاملاً خالی از آن نبوده است. گفته می‌شود برخی از جراید فارسی منطقه آسیای میانه توسط بای‌ها و بهایی‌های مهاجر در آن مناطق انتشار می‌یافته است. ولی اندیشه‌های سوسیالیستی نیز مانند قفقاز و به دلیل تحت نفوذ روسیه بودن در این مناطق کم و بیش رواج داشته است.

افغانستان یکی از مناطق پیشرو در انتشار مطبوعات فارسی است ولی هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ محتوایی از ایران عقب‌تر بوده است. مطبوعات ویژه کودکان در این سرزمین جلوتر از ایران آغاز شده است که نگارنده بطور دقیق دلیل آن را نمی‌شناسد.

در بین‌النهرین (عراق) نیز شهرهای بغداد، کربلا و نجف از مراکز انتشار مطبوعات فارسی بوده‌اند که عامل اصلی انتشار آنها به دو جریان فکری روحانیت مشروطه خواه و نیز بایان و بهائیان تبعیدی به بغداد بر می‌گردد.

با این همه هیچکدام از این جراید تاکنون نه بصورت درست شناسایی و گردآوری شده‌اند و نه مورد کاوش‌های علمی و تاریخی لازم قرار گرفته‌اند. ما کوشیده‌ایم در این شماره یاد و شماره بعدی آن در حد مقدور به این مهم دست یازیم.

البته در این شماره چند مقاله جا مانده از مطالب مربوط به تاریخ جراید در اروپا پیوست شده است، همچنین در بحث حرف آخر مطالب مربوط به مورخ و روزنامه، روش در تاریخ شفاهی و چند مطلب دیگر آمده است که دارای اهمیتند. بویژه مقاله‌ای با عنوان «سوغات فرنگ» و پی‌افزود آن درباره فریدون آدمیت و ادعای پدرخواندگی برای تاریخ‌نگاری مدرن و نوین ایران آمده است که احتمالاً برای خوانندگان محترم جالب باشد.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د پوهنتون  
پرتال جامع علومو انساني